

زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی

سال ۸، شماره ۱، پیاپی ۱۲ (بهار و تابستان ۱۴۰۲) شماره صفحات: ۶۳ - ۷۷

ساخت فعل مرکب و عبارت فعلی در چند نوشته فارسی میانه

سمیرا نرماشیری^۱، شیماء جعفری دهقی^{۲*}

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، سیستان و بلوچستان، ایران

۲. استادیار زبان‌های باستانی ایران، دانشگاه ولایت، ایرانشهر، سیستان و بلوچستان، ایران

چکیده

زبان فارسی میانه یا پهلوی از زبان‌های ایرانی میانه جنوب غربی است و چنان‌که از نامش پیداست بازمانده گونه‌ای از فارسی باستان است. بنابراین، از لحاظ تحول تاریخی، زبان فارسی باستان به فارسی میانه و فارسی میانه به فارسی نو تبدیل شده است. پس از دگرگونی زبان فارسی میانه و رواج فارسی نو، برخی از ساختارهای زبانی از جمله ساخت فعل مرکب و عبارت فعلی نیز دگرگون شد. در این پژوهش پرسش اصلی این است که ساخت فعل مرکب و عبارت فعلی در سه متن فارسی میانه (اندرز مهرسپندان، روایت پهلوی و کارنامه اردشیر بابکان) چگونه بوده است. برای رسیدن به پاسخ، تمامی فعل‌های مرکب و عبارت‌های فعلی از سه متن فارسی میانه مذکور گردآوری و بر اساس ساختار و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها طبقه‌بندی شد. نتیجه این پژوهش نشان داد در سه متن یادشده ساخت فعل مرکب شامل اسم + همکرد؛ صفت + همکرد؛ قید یا قید پیشوندی + همکرد و گروه حرف اضافه‌ای + همکرد می‌شود. ساخت عبارت فعلی نیز به صورت حرف اضافه + اسم + فعل؛ حرف اضافه + اسم معنی + فعل؛ حرف اضافه + قید + فعل است. شناخت ساختارهای فعل مرکب و عبارت فعلی برای تهیه واژه‌نامه زبان فارسی میانه سودمند خواهد بود و پژوهشگران را در شناخت این ساختارها در زبان فارسی یاری خواهد داد.

واژه‌های کلیدی:

عبارت فعلی

فارسی میانه

فعل مرکب

متن‌های پهلوی

همکرد

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۲۹ مهرماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۸ آذرماه ۱۴۰۱

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: sh.jaafari@velayat.ac.ir

۱. مقدمه

پژوهشگران تاریخ تحول زبان فارسی را به صورت تقریبی به سه دوره باستان، میانه و نو تقسیم می‌کنند. زبان‌های ایرانی باستان اصطلاحاً به زبان‌هایی گفته می‌شود که از هنگام جدایی اقوام ایرانی از هم‌نژادان آریایی‌شان در هزاره دوم پیش از میلاد تا اندکی پس از فروپاشی فرمانروایی هخامنشی در ایران رایج بود. زبان‌های ایرانی میانه از هنگام فروپاشی فرمانروایی هخامنشی (۳۳۰ ق.م) تا چند سده پس از فروپاشی ساسانیان رواج داشتند. زبان‌های ایرانی نو زبان‌هایی هستند که پس از فتح ایران به دست مسلمانان در منطقه رایج شد.

در دوره میانه چندین زبان در سراسر ایران رواج داشت. این زبان‌ها را به دو گروه زبان‌های ایرانی میانه غربی و ایرانی میانه شرقی تقسیم می‌کنند. گروه زبان‌های ایرانی میانه غربی خود به ۲ زیرشاخه زبان‌های ایرانی میانه غربی شمالی و زبان‌های ایرانی میانه غربی جنوبی تقسیم می‌شود. از گروه زبان‌های ایرانی میانه غربی از ۲ زبان پارتی (یا پهلوانینگ یا پهلوی اشکانی) و فارسی میانه یا پهلوی آثار عمده‌ای در دست است (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۲). دگرگونی زبانی از دوره باستان به دوره میانه چشمگیر است. چگونگی شکل‌گیری و دگرگونی‌های عمیق در فارسی میانه غربی را به خوبی می‌توان از فارسی باستان باز شناخت. آغاز چنین دگرگونی‌هایی از اواخر دوره هخامنشی رخ می‌نماید. نظام دستوری زبان فارسی میانه نشان می‌دهد که این زبان از تمام جوانب از پایه و اساس در حال دگرگونی بوده است (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۷: ۱۶۹).

دستگاه فعل فارسی میانه نیز همانند دیگر نظام‌های دستوری در این زبان کاملاً تحول یافته و بسیار ساده شده است. این تحول، ساخت فعل مرکب را نیز دربر گرفته است. در این پژوهش، هدف پرداختن به ساخت فعل مرکب و عبارت فعلی در نوشته‌های فارسی میانه است. همچنین به جایگاه فعل مرکب در این نوشته‌ها نیز اشاره خواهد شد. برای رسیدن به این هدف، ابتدا باید به تعریف فعل مرکب و عبارت فعلی پرداخته شود. پژوهشگران تا کنون برای فعل مرکب تعریف‌های بسیاری ارائه کرده‌اند و همگی بر یک تعریف مشخص اتفاق نظر ندارند. با این حال، در این نوشتار، ملاک تعریف دبیرمقدم خواهد بود.

تاکنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه دستور زبان فارسی میانه انجام شده است. اما تا جایی که نگارنده آگاهی دارد، بررسی‌های منسجم و پژوهش‌های مستقلی صورت نگرفته‌اند که بتوانند تمام موارد را پوشش دهند. همچنین، تاکنون هیچ اثر جامعی فراهم نیامده است که مبتنی بر داده‌های همه متون فارسی میانه باشد. از جمله کارهای ضروری در این زمینه می‌تواند بررسی زبانی هر یک از متن‌های فارسی میانه به صورت مستقل باشد. اندرزنامه‌ها بخش مهمی از ادبیات فارسی میانه را تشکیل می‌دهند. آذرباد مهرسپندان (یا مارسپندان)، موبدان موبد دوران شاپور ساسانی بود که سه مجموعه اندرز و چند قطعه اندرز به او نسبت داده شده است. در پژوهش حاضر از اندرز مهرسپندان منقول در متون پهلوی استفاده شده است (نک. عریان ۱۳۹۹: ۷۷؛ ترجمه‌های دیگری از این متن از جمله اشه (۱۳۸۲) نیز در دست است. روایت پهلوی متضمن مطالب گوناگونی از جمله مسائل

اساطیری، آیینی، اجتماعی، مطالب اخلاقی، پندارها و باورهای عامیانه و غیره است. زمان نگارش و نویسنده آن به طور دقیق مشخص نیست. این متن فارسی میانه نمونه‌ای برای روایت‌های فارسی نیز بوده است (نک. ویلیامز^۱، ۱۹۹۰: ۹؛ میرفخرایی، ۱۳۹۱). کارنامه اردشیر بابکان نیز متنی است که احتمالاً در اواخر دوره ساسانی بر اساس روایت‌های قدیمی‌تری در فارس تدوین شده و موضوع آن تاریخ آمیخته با افسانه است. سرگذشت اردشیر و چگونگی به قدرت رسیدن او و داستان زاده شدن شاپور در این متن آمده است (نک. فره‌وشی، ۱۳۹۵). در برگردان این متن افزون بر ترجمه فره‌وشی از ترجمه گرونه^۲ (۲۰۰۳) نیز استفاده شده است.

به این ترتیب، شناخت ساختارهای فعل مرکب و عبارت فعلی برای تهیه واژه‌نامه زبان فارسی میانه سودمند است. برای نمونه، در فرهنگ کوچک زبان پهلوی، نوشته مکنزی^۳ (۱۹۷۱)، به فعل مرکب و عبارت فعلی، حتی آن‌ها که بسیار پرکاربرد هستند پرداخته نشده است و افعال مرکب و یا عبارت‌های فعلی به صورت مداخل جداگانه ذکر نشده است. بنابراین، شناخت، معرفی و تهیه فهرستی از افعال مرکب و عبارت‌های فعلی می‌تواند برای تهیه واژه‌نامه و همچنین آموزش زبان فارسی میانه استفاده شود.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری درباره دستور زبان فارسی میانه انجام شده است که برخی از این پژوهش‌ها یک یا چند متن خاص را بررسی کرده‌اند و بیش‌تر به جنبه تعریف فعل‌های این متن‌ها توجه کرده‌اند. در برخی از آن‌ها فعل به عنوان یکی از مقولات دستوری در کنار سایر مباحث بررسی شده است. در پژوهش راستارگویوا^۴ (۱۳۴۷) اشاره جزئی به مقوله ساخت و کاربرد افعال مرکب شده است. اما هیچ‌یک از پژوهشگران دستور زبان فارسی میانه به ساخت عبارت فعلی در زبان پهلوی اشاره نکرده‌اند. پژوهشگرانی که به دستور زبان پهلوی پرداخته‌اند از این قرارند:

راستارگویوا (۱۳۴۷: ۱۲۹) به طور خلاصه و کوتاه بیان می‌کند که تعداد افعال مرکب در فارسی میانه زیاد نیست و این قلت را وجود ترکیب مخصوص اسم و فعل جبران می‌نماید. به نظر او در اکثر موارد، جزء فعلی (همکرد) را فعل «کردن» تشکیل می‌دهد. منصوری (۱۳۸۲: ۱۰۸-۱۲۴) ساختار فعل در زبان فارسی میانه (پهلوی) را به دو شیوه بررسی، مطالعه و دسته‌بندی می‌کند. ۱. فعل‌های اصلی ۲. فعل‌های موسوم به جعلی. به نظر او سیر تحول زبانی و تاریخی این‌گونه فعل‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها بازمانده دستگاه فعلی زبان‌های ایرانی

¹ A. V. Williams

² F. Grenet

³ D. N. MacKenzie

⁴ Rostorgueva

باستان هستند که تحت قواعد و نظام خاصی به فارسی میانه، پس از آن به فارسی نو رسیده‌اند. او همچنین در پژوهش دیگری (۱۳۸۴: چهل - چهل و یک) ساختار برخی افعال مرکب و عبارت‌های فعلی را شرح می‌دهد. رضایی باغبیدی (۱۳۸۸) تصویری دقیق از تاریخ زبان‌های ایرانی ارائه کرده و به ساخت دستوری آن‌ها پرداخته است. مباحث او از بررسی زبان‌های هند و اروپایی آغاز و با نگاهی به زبان‌های ایرانی نو به پایان می‌رسد. منصور (۱۳۹۴) فعل‌های زبان فارسی میانه را به صورت مستقل و مجزا بررسی می‌کند. در واقع، پیکره اصلی پژوهش او بر مبنای ریشه‌شناسی فعل‌های زبان فارسی میانه و فهرست واژه‌های آن‌ها است. ماده فعل‌های فارسی میانه زردشتی در زبان‌های ایرانی یعنی در پهلوی اشکانی و فارسی میانه مانوی و در برخی موارد صورت کتبی‌های فارسی میانه و پهلوی اشکانی فعل‌ها به صورت ماده مضارع و ماده ماضی ذکر شده است. فعل‌های فارسی میانه زردشتی که به فارسی دری به صورت مصدر، ماده ماضی و ماده مضارع رسیده‌اند نیز در این اثر آمده‌اند. برونر^۱ (۱۹۷۷) به ساختار نحوی زبان‌های ایرانی میانه غربی به صورت منسجم می‌پردازد. او ابتدا نقش فعل در جمله‌های ساده و سپس نقش آن را در جمله‌های مرکب بررسی می‌کند. در پژوهش برونر (۱۹۷۷) نیز اشاره‌ای به فعل مرکب یا عبارت فعلی در زبان پهلوی نمی‌شود. هنینگ^۲ (۱۹۷۷: ۱۶۰-۶۵) با بررسی افعال فارسی میانه در متون ترفان به مطالعه ساختار دستوری افعال در فارسی میانه ترفانی و پهلوی اشکانی ترفانی و چگونگی تحول آن می‌پردازد. او نیز همانند سایر پژوهشگران به فعل مرکب یا عبارت فعلی اشاره‌ای نمی‌کند.

۳. مبانی نظری

فعل مرکب از دیرباز مورد توجه دستورنویسان زبان فارسی بوده و پژوهشگران بسیاری به آن پرداخته‌اند. با این حال، به نظر می‌رسد هنوز اتفاق نظری برای ارائه تعریف جامع و کاملی از فعل مرکب حاصل نشده است. مهم‌ترین نظریه‌ها درباره فعل مرکب از این قرار است:

خانلری (۱۳۶۶: ۱۲۸) افعال مرکب را از یک کلمه اصلی (اسم، صفت) یا یکی از مشتقات اسمی فعل می‌شمارد که قسمت غیرفعلی صرف نمی‌شود اما قسمت فعلی مانند (شتاب کردن = شتافتن) اصطلاحاً «همکرد»، صرف می‌شود. خانلری (۱۳۶۶) بر این باور است که اصطلاح «عبارت فعلی» به گروهی از کلمات گفته می‌شود که از مجموع آن‌ها معنای واحدی حاصل می‌شود و غالباً معادل با مفهوم یک فعل ساده یا یک فعل مرکب است. این تعریف شامل عبارت‌هایی است که علاوه بر این نکته، دارای بیش از دو کلمه باشند، یکی از مجموع کلمات عبارت، حرف اضافه باشد و مجموع عبارت معنی مجازی داشته باشد. یعنی مفهوم صریح هیچ‌یک از اجزا مراد نباشد یا به ذهن شنونده نیاید (مانند به فریاد خواندن = فریادخواندن، شکایت کردن).

¹ C. Brunner

² W. B. Henning

به نظر دبیرمقدم (۱۳۷۶: ۲۰) فعل مرکب فعلی است که ساختمان واژی آن بسیط نیست و (مانند آرایش کردن = آراستن) از پیوند یک سازه غیرفعلی چون اسم، صفت، اسم مفعول، گروه حرف اضافه‌ای، یا قید با یک سازه فعلی تشکیل می‌شود. نغزگوی کهن و داوری (۱۳۹۱: ۲۲۷) افعال مرکب را دارای دو جزء فعلی (همکرد) و غیرفعلی (همراه) می‌دانند. به نظر آن‌ها از همکردها برای ساختن افعال مرکب جدید به صورت زایا استفاده می‌شود و از این طریق کلمات جدیدی مانند «دانلودکردن» به واژه‌های زبان فارسی اضافه می‌شود. روحی (۱۳۹۵: ۱۲۲) در مورد فعل مرکب فارسی چنین می‌نویسد: «می‌توان گفت که الگوی ساخت‌واژی آن بسیار مشخص است. این الگو نشان می‌دهد که اسامی، صفات، قیدها و گروه‌های حرف‌اضافه‌ای با مجموعه‌ای محدود از افعال سبک در زبان فارسی ترکیب شده و فعل مرکب می‌سازند، مانند «خاک‌کردن»».

از دید عموزاده و شریف (۱۳۹۶: ۱۴۹)، افعال مرکب را می‌توان به طور مستقیم یا غیرمستقیم حاصل فرایند انضمام دانست که شامل مقولات اسم، صفت و گروه حرف اضافه‌ای می‌شوند و در فرایند عبور از مسیر ترکیب، یک عنصر فعلی و یک عنصر غیرفعلی از آن انتخاب و به هم منضم می‌شوند، مانند «تاب‌آوردن». عبارت فعلی شامل چند کلمه (حرف اضافه + اسم، صفت + فعل) است، که معنای آن در اصل یک فعل ساده یا مرکب و گاهی عبارت فعلی دیگری است. برای تعریف عبارت فعلی نظریه‌های جدیدی در ساختار و معنای عبارت فعلی ارائه شده‌اند. همچنین عبارت فعلی از نام‌های گوناگونی در زبان فارسی برخوردار است که توضیح آن به شرح ذیل است.

خانلری (۱۳۶۶: ۱۱۲۳) در مورد عبارت فعلی معتقد است عبارتی که در حکم فعل است، ولی به ساختار یک جمله نرسیده است. طبیب‌زاده (۱۳۷۳: ۳۱-۳۶) نیز عبارت فعلی را به عنوان «افعال اصطلاحی» به کار می‌برد و می‌نویسد: «یکی از عناصر واژگانی که باید در دستورها و فرهنگ‌های عمومی زبان فارسی شرح و ضبط شود، افعال اصطلاحی می‌باشند، یا چنان که دکتر خانلری عبارت فعلی نامیده است». به نظر طباطبایی (۱۳۸۴: ۲۸) عبارت‌هایی را که در آن‌ها معنی جزء فعلی کاملاً مشخص و غیراستعاری است، آن‌ها فعل مرکب به شمار نمی‌آیند بلکه عبارت فعلی هستند. اصطلاح «افعال جانیشینی» نیز موردی است که در آثار دیده می‌شود. همان‌طور که سلطانی (۱۳۸۶: ۴۸) می‌نویسد: برخی از افعالی که برگرفته از (کتاب دستور تاریخی فعل) از احمدی گیوی، می‌باشند افعال جانیشینی نام گرفته‌اند. ارژنگ (۱۳۸۷: ۱۶۱) عبارت فعلی را تحت عنوان «فعل گروهی» بررسی می‌کند «گاهی گروهی از کلمات در کنار هم می‌آیند و مفهوم واحدی را می‌رسانند. این گونه فعل‌ها (فعل گروهی) نامیده می‌شوند».

در این پژوهش، آن تعریف از فعل مرکب در نظر گرفته شده که اغلب پژوهشگران مذکور بر آن اجماع نظر دارند. یعنی از پیوند یک سازه غیرفعلی چون اسم، صفت، اسم مفعول، گروه حرف اضافه‌ای، یا قید با یک سازه فعلی تشکیل می‌شود. در مورد عبارت فعلی نیز به همین صورت، از تعریف مورد پذیرش اکثریت متخصصان

پیروی می‌شود. یعنی عبارت فعلی ساختاری است که از مجموع چند واژه همچون اسم، صفت و فعل ساخته شده و معنی آن از مجموع این کلمه‌ها باهم به دست می‌آید.

۳-۱. روش پژوهش

این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. بدین صورت که ابتدا تمامی افعال مرکب و عبارت‌های فعلی در سه متن اندرزمهرسپندان، روایت پهلوی و کارنامه اردشیر بابکان گردآوری و سپس برحسب ساختار و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها طبقه‌بندی شد. علت انتخاب این سه متن، نثر نسبتاً آسان آن‌ها است که خوانش و درک‌شان را ساده می‌کند. با توجه به محدودیت نوشتار حاضر، با وجود این‌که برای این پژوهش همه افعال مرکب و عبارت‌های فعلی در این سه متن توسط نگارندگان گردآوری شده بود، با این حال صرفاً به ذکر نمونه‌هایی از هر یک از ساختارها در متن‌های ذکر شده بسنده شد. همچنین در مواردی که از یک متن نمونه‌ای نیامده است بدین معنا است که شاهدهی که در آن متن برای ساختار مدنظر یافت شد، دقیقاً تکرار شواهد ذکر شده قبلی بود. در پایان، ساخت فعل مرکب و عبارت فعلی در زبان فارسی میانه بنا بر شواهد موجود در این سه متن ارائه شد. لازم به ذکر است، در این مطالعه، تعریف فعل مرکب بر پایه دیدگاه دبیرمقدم است. او باور دارد فعل مرکب از پیوند یک سازه غیرفعلی چون اسم، صفت، اسم مفعول، گروه حرف اضافه‌ای، یا قید با یک سازه فعلی تشکیل می‌شود و در این پژوهش همین مورد نظر است. در مورد عبارت فعلی چون اتفاق نظر میان بیش‌تر پژوهشگران وجود دارد، تعریف مورد نظر اکثریت در نظر گرفته شد. بدین معنا که عبارت فعلی مجموعه‌ای از کلمات است که در آن‌ها معنی جزء فعلی کاملاً مشخص و غیراستعاری می‌باشد و شامل چند کلمه (مثلاً حرف اضافه + اسم، صفت + فعل) می‌شود. در آوانویسی‌های جملات فارسی میانه شماره‌ای که در ابتدا آمده، شماره بند در متن مذکور است. افعال مرکب به صورت تیره در جمله مشخص و زیر آنها خط کشیده شده است.

۴. تحلیل داده‌ها

در این بخش ابتدا به فعل مرکب در این متن‌ها پرداخته و اجزای تشکیل‌دهنده آن‌ها شناسایی می‌شود. این اجزا شامل اسم + همکرد؛ صفت + همکرد؛ قید یا قید پیشوندی + همکرد و گروه حرف اضافه‌ای + همکرد است.

۴-۱. اسم + همکرد

ترکیب اسم و همکرد یک مقوله از افعال مرکب را تشکیل می‌دهد و همکردهای مختلفی در تشکیل این افعال مرکب به کار می‌روند. این همکردها هنگامی که به تنهایی به کار برده می‌شوند متعدی‌اند (دبیرمقدم، ۱۳۷۶: ۱۶۹).

- همکرد «کردن، بردن و گرفتن»

راستارگویوا به درستی اشاره کرده است که در بیشتر موارد در زبان فارسی میانه، جزء فعلی یا همکرد را فعل «کردن» تشکیل می‌دهد. افزون‌براین، در ترکیب اسم و همکرد در این زبان، همکرد «بردن» و «گرفتن» نیز رایج است.

- 1) ... az ān pas **abestān** ō yazdān **kard**.
... از آن پس **توکل** به خدا **کرد**. (اندرز، بند ۱).
- 2) pad **pādifrāh** ō mardōmān **kardan** waranīg ma bāš.
در **کیفرکردن** مردمان حریص مباش! (اندرز، بند ۲۷).
- 3) ... hu-xēm mard **hampursagih kūn** ud dōst bāš.
... با مرد خوش‌خیم **مشورت کن** و دوست باش! (اندرز، بند ۳۱).
- 4) ... ud ōy kē pid ud mād nēst ōwōn homānāg čiyōn zan ī wēwag kē čiš-iz az-iš be stānēd u-š **čiš-iz kardan** nē tuwan ud har kas pad xwār dārēd.
... و او را که پدر و مادر نیست همانند زن بیوه که چیز از او بستانند (و) او **کاری‌کردن** نتوان و هرکس (او را) خوار دارد. (اندرز، بند ۹۰).
- 5) čē az **namāz burdan** pušt be nē škenēd ud az čarb pursīdan dahān gandag nē sawed.
زیرا از **نمازبردن** پشت نشکند و از چرب پرسیدن دهان گنده نشود (اندرز، بند ۸۵).
- 6) ... har kē andar kišwar pērāmōn ī sāsān ēstēnd, **namāz awiš barēnd**.
... همه کسانی که در کشور پیرامون ساسان باشند، بر او **نماز برند** (کارنامه بند ۱۰، گروه، ۲۰۰۳: ۹).
- 7) ān uzīd frāmōš kun ud ān nē mad ēstēd rāy tēmār **bēš ma bar**.
آن چه گذشته را فراموش کن و برای آن چه نیامده است تیمار و **رنج مبر** (اندرز، بند ۵۸).
- 8) yazdān **āfrin kun** ud dil pad rāmišn dār...
یزدان **ستایش کن** و دل به رامش دار. (اندرز، بند ۱۰۲).
- 9) u-š **nāmag** ō Pābag **kard** kū amā ēdōn ašnud kū ašmā rāy pus-ē ast.
و **نامه** به بابک **کرد (نوشت)** که ما شنیده‌ایم که شما را پسری است (کارنامه، بند ۲۴؛ گروه، ۲۰۰۳: ۵۸).
- 10) spandarmad rōz **warz** ī zamīg **kun**.
سپندارمذ روز **کار زمین کن** (کشاورزی کن). (اندرز، بند ۱۲۳).
- 11) ābān rōz az āb **pāhrēz kun** ud āb ma āzār.
آبان‌روز از آب **پرهیز کن** و آب را میازار! (اندرز، بند ۱۲۸).

12) mäh rōz may xwar ud abāg dōstān **wiyufsišn kun** ud az mäh ī xwadāy āyaft xwāh.

ماه روز می خور و با دوستان **شادی کن** و از خدای لطف خواه. (اندرز، بند ۱۳۰).

13) bē jud az xwēšāwandān ud dōstān tis-iz **abām ma gīr**.

به جز از خویشاوندان و دوستان هیچ چیز **وامگیر** (اندرز، بند ۶۲).

14) ud ohrmazd pad **xwēdōdahīh kardan** paydāg kū ka zarduxšt pēš ohrmazd nišast ud

و (نظر) هرمزد در مورد **خویدوده کردن** (ازدواج با نزدیکان) پیداست که چون زردشت پیش هرمزد نشست و.. (روایت، بند ۲-۸).

15) adōšagīh be ō mardōmān az ān mar mad ka-šān az jud šahr ud az jud rōstāg ud az deh mar āmad hēnd u-šān **zan kard** ud ...

خشکی (قحطی) از آن جهت به مردمان رسید که مردمان از شهر بیگانه، از روستای بیگانه و از کشور بیگانه آمدند و **زن کردند (زن گرفتند)** و ... (روایت، بند ۸۹).

16) abē-bahrīh az dušox ī abē-bahr<īh> az ahreman ud dēwān pad ān zamān bawēd ka az ān ka-š **jādūgīh kardan** xwāst margarzān kard.

دوری از دوزخ و دوری از اهریمن و دیوان بدان زمان باشد که چون (کسی) **جادوگری کردن** آموخت گناه مرگ‌ارزان کرد (روایت، بند ۲ ب ۸).

17) ēdōn čiyōn kirbag xwar kardan ā wināh-iz xwar kardan ud pad **kirbag kardan** tuxšāg abāyēd būdan ud az wināh bē parhēxtan čē ka az wināh pahrēzēd be ō dušox nē rasēd.

چون ثواب‌کردن چنان آسان است که گناه‌کردن نیز، به **ثواب‌کردن** کوشا باید بود، و از گناه‌کردن دوری کرد، زیرا کسی که از گناه بپرهیزد به دوزخ نرود (روایت، ۹/۱۶).

۴-۲. صفت + همکرد

یکی از روش‌های ساخت فعل مرکب در زبان فارسی میانه استفاده از صفت و همکرد است. البته در مواردی این صفت‌ها را قید نیز می‌توان در نظر گرفت. بررسی متن‌های کارنامه اردشیر بابکان، روایت پهلوی و اندرز مهرسپندان نشان می‌دهد که همکردهای **kardan** و **būdan**، **dāštan** در این متون با صفت، فعل مرکب می‌سازند. در ادامه نمونه‌هایی از این گونه ساخت فعل مرکب در متن‌های یادشده آمده است.

18) pēš-gāh mard dānāg **grāmīg dār**...

پیشگاه مرد دانا را گرامی دار ... (اندرز، بند ۳۶).

19) ka kirbag čiš-ē ēdōn wuzurg ēdōn xwār kardan...

پس ثواب چیزی که در عمل چنین آسان است، چنان بزرگ است که... (روایت، ۱۵ / ۹).

20) ... handēšēd nazdist kār ī pārs abāyēd wirāstan, az dušmanān abē-bīm būdan, pas šahr dīd pardāxtan.

... اندیشید نخست کار پارس باید سامان دادن، از دشمنان بی بیم بودن، پس شهر دیگر پرداختن (تمام کردن)

(کارنامه، بند ۳ / ۵؛ گروه، ۲۰۰۳: ۸۵).

21) uš Ardašēr pad frazandīh padīrift ud grāmīg dāšt ud parward.

او اردشیر به فرزندی پذیرفت و گرامی داشت پرورد (کارنامه، بند ۲۲ / ۱؛ گروه، ۲۰۰۳: ۵۸-۵۹).

22) Ardawān ka-š Ardašēr dīd šād būd ud garāmīg kard ud framūd...

اردوان چون اردشیر را دید شاد بود و گرامی کرد و فرمود... (کارنامه، بند ۲۸ / ۱؛ گروه، ۲۰۰۳: ۶۰-۶۱).

23) Ardašēr huram būd ud ānōh rōstāg-ē ī Rāmišn ī Ardašēr xwānēnd framūd kardan.

اردشیر خرم بود و آن جا روستایی که رامش اردشیر خوانند فرمود کردن (کارنامه، بند ۶ / ۴؛ گروه، ۲۰۰۳: ۷۴).

24) ... pad ēn ēwēnag xwēštan andōhgēn kardan ud bēš ud zārīg ō dil kardan mā framāyēd, pad mardōm kārārīh, čārag kardan šāyēd, ...

... به این آیین خویشتن اندوهگین کردن و رنج و زاری به دل کردن مفرمایید، ... به مردم کاری (و کاری که از

دست انسان برآید) چاره کردن شاید، ... (کارنامه، بند ۲-۷ / ۱۰؛ گروه، ۲۰۰۳: ۱۰۲-۱۰۴).

25) ... xwadāyīh ī ērān šahr rāyēnēd kardan hunsand bārestān abāyēd būdan, ...

... خدایی ایران شهر نظم و سامان دادن خرسند و باید متوکل بودن، ... (کارنامه، بند ۱-۴ / ۱۱؛ گروه، ۲۰۰۳: ۱۰۸).

26) ... ud xwad az ēn ranj āwām āsān kardan.

... و خود از این رنج زمان آسان کردن (خود از رنج زمانه آسودن). (کارنامه، بند ۲-۴ / ۱۱؛ گروه، ۲۰۰۳: ۱۰۸).

۳-۴. قید یا قید پیشوندی + همکرد

در مواردی در زبان فارسی میانه فعل مرکب از قید یا قید پیشوندی به همراه همکرد ساخته می شود. نمونه هایی

که در ادامه می آیند، از این دسته هستند.

27) ... čē zīrak ud dānāg mard ōwōn humānāg čiyōn zamīg ī nēk kē tōhm pad-iš abganēnd u-š was jōrdā andar āvēd.

... چه مرد زیرک و دانا همانند زمین نیک است که تخم بر آن افکنند و از آن بسیار دانه بیرون آید (اندرز، بند

۹۰).

28) harw kē pad kām-wizār andar šawēd ā-š framān-ē wināh.

هرکه برای کام‌گذاری اندرشود (وارد خانه شود)، پس او را یک فرمان گناه است. (روایت، ۷-۲/۲).

29) pad āstawānīh ī dēn abar tuxš.

درباره باور به دین بکوش! (اندرز، بند ۶۷).

30) dast az duzdīh ud pāy az axwēš-kārīh raftan ud menišn az waran abārōn abāz dār.

دست از دزدی و پای از وظیفه‌نشناسی و اندیشه از شهوت بد باز دار! (اندرز، بند ۶۷).

۴-۴. حرف اضافه + همکرد

در فارسی میانه برخی افعال مرکب از ترکیب حرف اضافه به همراه همکرد ساخته می‌شوند. نمونه‌های زیر از این دسته هستند. در متنی که برای این پژوهش انتخاب شدند، ترکیب حرف اضافه با همکردهای griftan, āmadan و ēstēdan یافت شد.

31) Ardawān andar zamān spāh čahār hazār ārāst ud rāh ō Pārs pay ardašēr grift.

اردوان فوراً هزار سپاه آراست و راه به پارس، پی اردشیر گرفت. (کارنامه، بند ۷؛ گروه، ۲۰۰۳: ۷۰).

32) mardōm ōwōn homānāg čiyōn šīr-xwārag kē xōg andar gīrēd pad-iš abar ēstēd.

مردم همانند [کودک] شیرخواره [هستند] که بر خوی [و طبیعتی که] فرا می‌گیرد، می‌ایستد (اندرز، بند ۱۱۸).

33) duxt ī xwad ō zīrak ud dānāg mard dah čē zīrak ud dānāg mard ōwōn homānāg čiyōn zamīg ī nēk kē tōhm pad-iš abganēnd u-š was jōrdā andar āyēd.

دختر خویش را به مرد زیرک (= عاقل) و دانا بده، زیرا مرد زیرک و دانا همانند زمین نیک [است] که تخم بر آن افکنند (و) از آن بسیار دانه درآید (اندرز، بند ۹۱).

34) sāl ī čahārōm mäh hordād ud rōz dai-pad-mihr warf andar ēstēd ...

سال چهارم، ماه خرداد، روز دی به مهر، برف اندر ایستد (آغاز شود). (روایت، بند ۱۵-۴۸).

۴-۵. عبارت فعلی در متن‌های فارسی میانه

همانگونه که در بخش مبانی نظری آمد، عبارت فعلی مجموعه‌ای از کلمات است که در آن‌ها معنی جزء فعلی کاملاً مشخص و غیراستعاری است و شامل چند کلمه (مثلاً حرف اضافه + اسم، صفت + فعل) می‌شود. نمونه‌هایی از کاربرد عبارت فعلی در سه متن یادشده در ادامه تحلیل می‌شود.

۴-۵-۱. حرف اضافه + اسم + فعل

در برخی از عبارت‌های فعلی ترکیب حرف اضافه، اسم و فعل به کار می‌رود.

35) spaxr ud wiyufsišn **pad paymān gīr**.

شادی و خرسندی به اندازه انجام بده (اندرز، بند ۱۵).

36) har gāh ruwān ī xwēš **andar ayād dār**.

همیشه روان خویش اندر یاد دار (اندرز، بند ۱۰۶).

37) may < **pad** > **paymān xwar** čē kē may a-paymān xwarēd was ēwēnag wināh az-iš rawēd.

می (به) اندازه خور چه کسی که می بی اندازه خورد بسا گناه (که) از او رود (اندرز، بند ۱۱۲).

38) ... ud ōy kē pid ud mād nēst ōwōn humānāg čiyōn zan ī wēwag kē čiš-iz aziš bi stānēd u-š čiš-iz kardan nē tuwan ud har kas **pad xwār dārēd**.

... و او را که پدر و مادر نیست همانند زن بیوه که چیز از او بستانند (و) او کاری کردن نتوان و هرکس (او را) خوار دارد. (اندرز، بند ۹۰).

39) Pāpak šād būd ud framūd kū tan **pad ābzan kun**.

بابک شاد بود و فرمود که تن به آبزن (حمام) کن (کارنامه، بند ۱۷؛ گروه، ۲۰۰۳: ۵۸).

40) Ardašēr ka-š pad ān ēwēnag dīd abēr **pad bēš būd** ud az šahr šahr gyāg gyāg spāh ō dar xwāst ...

اردشیر چویش به آیین دید بسیار در رنج بود و از شهر شهر، جای جای، سپاه به درگاه خواست ... (کارنامه، بند ۱۲؛ گروه، ۲۰۰۳: ۸۲).

41) ... u-š be ō Wištāsp guft kū dēn be padīr čē Ohrmazd ud Amahraspandān ud abārīg yazadān ā-šān kāmāg ēdōn kū tō **abar dēn be estē**.

و به گشتاسب گفت که: «دین را بپذیر، زیرا اراده هرمزد و امشاسپندان و دیگر ایزدان چنین است که تو بر دین بایستی (به دین ایمان آوری) (روایت، بند ۱۶-۴۶).

۴-۵-۲. حرف اضافه + اسم معنی + فعل

عبارت‌های فعلی با ساخت حرف اضافه، اسم معنی و فعل نیز در فارسی میانه رایج است. اسم معنی اسمی است که مفهوم انتزاعی دارد.

42) huxēm ud drust ī kārāgāh mard agar kūč-škōh hād pas-iz **pad dāmādīh gīr**.

مرد خوش‌خو و درست و کارآگاه اگر هم فقیر باشد پس به دامادی گیر (اندرز، بند ۵۵).

43) u-š pas duxt ī xwēš **pad zanīh dād**.

او پس دختر خود را به زنی به او داد. (کارنامه، بند ۲۰؛ گروه، ۲۰۰۳: ۵۸).

44) kanēzag hamdāstān būd ud guft kū **pad āzādīh dāram** ud har čē tō framāyē kunam.

کنیزک همداستان بود و گفت که به آزادی دارم (آزادانه) و هر چه تو فرمایی کنم. (کارنامه، بند ۱۱؛ گروه، ۲۰۰۳: ۶۶).

45) ...ō dast ī ardašēr mad ud duxt ī ardawān **pad zanīh kard**.

... و به دست اردشیر آمد و دختر اردوان را به زنی کرد (ازدواج کرد). (کارنامه، بند ۴ / ۱۶؛ گروه، ۲۰۰۳: ۷۶).

46) **pad zanīh gīrēd** a-š dastwārīh ...

برای مردی که از زن کسان دختر نامشروع زاده شده باشد، اگر آن گاه او را (آن دختر را) به زنی گیرد، دستوری است (مجاز است) ... (روایت، بند ۸۶).

47) u-šān zan kard ud ka-šān zan be burd pid ud mād griyist hēnd pad ēn kū-mān duxt **pad wardagīh hamē barēnd**

و زن گیرند و هنگامی که زن را ببرند، پدر و مادر (او) بگیرند که دختر ما را به بردگی برند... (روایت، بند ۹۸).

۴-۵-۳. حرف اضافه + قید + فعل

نمونه‌هایی که در ادامه آمده‌اند عبارت‌های فعلی با ساخت حرف اضافه، قید و فعل هستند. البته موارد در متون به این تعداد محدود نمی‌شوند و در این‌جا تعدادی آمده است.

48) ka kadag kāmēd kardan nazdist uzēnag **pad mavān kunēd**.

زمانی که خانه خواهید کردن نخست هزینه به میان کنید (هزینه را برآورد کنید و در نظر بگیرید) (اندرز، بند ۴۱).

49) agar xwāstag bawēd, naxust āb ud raz ud zamīg wēš xrīn, čē agar bar nē dahēd ēg-iš bun **pad mavān bawēd**.

اگر برای تو دارایی باشد، نخست آب و رز (تاکستان) و زمین بیش بخر، زیرا اگر بر (میوه) ندهد پس بُن (اصل) آن بر جا باشد (اندرز، بند ۴۳).

50) agar was āšnāg āb tō weh dānē zūd zūd ō āb ī stahmag ma šaw, kū āb tō bē nē barād ud **pad gyāg mīrē**.

اگرچه شنا در آب تو بسیار دانی، زود زود به آب انبوه مشو که آب تو را نبرد و بر جای میری (اندرز، بند ۱۱۴).

۵. نتیجه‌گیری

فعل مرکب در سال‌های اخیر یکی از بحث‌برانگیزترین مباحث در حوزه‌های نحو، ساخت واژه و معناشناسی بوده است که عمده تمرکز زبان‌شناسان در این حوزه‌ها تعیین جایگاه شکل‌گیری این ساخت زبانی (در نحو یا واژگان) و نحوه چگونگی آن است. بحث درباره فعل مرکب مخصوصاً همکرد آن از جمله مسائل مطرح در زبان‌ها است. بررسی افعال مرکب مورد نظر که از سه متن فارسی میانه کارنامه اردشیر بابکان، روایت پهلوی و اندرز مهرسپندان استخراج شده، نشان می‌دهد که همکردهایی همچون «کردن»، «بردن» و «گرفتن» به همراه اسم فعل مرکب می‌سازند. بنابر نظر دبیرمقدم (۱۳۷۶)، می‌توان نتیجه گرفت که در زبان فارسی میانه نیز اسم، صفت، قید و گروه‌های حرف اضافه‌ای با مجموعه‌ای محدود از افعال ساده ترکیب شده و فعل مرکب می‌سازند. عبارت‌های فعلی، با توجه به تعریفی که مبنای کار قرار گرفته، معمولاً از سه جزء تشکیل شده‌اند که معنای کلی آن‌ها از ترکیب اجزا با یکدیگر به دست می‌آید. ساختمان عبارت فعلی در این متون در واقع به سه روش ساخته شده است: (۱) ترکیب حرف اضافه، اسم و فعل؛ (۲) حرف اضافه، اسم معنی و فعل و (۳) حرف اضافه، قید و فعل. عبارت‌های فعلی بیش‌تر معادل یک فعل ساده یا یک فعل مرکب هستند، اما تعدادی از آن‌ها فقط به شکل عبارت فعلی کاربرد دارند (مثلاً pad paymān kardan). ساخت فعل مرکب و عبارت فعلی در سه متن اندرز مهرسپندان، کارنامه اردشیر بابکان و روایت پهلوی را می‌توان به صورت جدول (۱) خلاصه کرد.

جدول (۱)

ساخت فعل مرکب و عبارت فعلی در متون بررسی‌شده

مثال	ساخت فعل مرکب
āfrīn kardan (دعاکردن) pādīfrāh kardan (کیفرکردن) namāz burden (نمازبردن) bēš burdan (رنج‌بردن) abām griftan (وام‌گرفتن)...	اسم + همکرد
grāmīg dāštan (گرامی داشتن) bīm būdan-abē (بی‌بیم‌بودن)...	صفت + همکرد
andar āmadan (بیرون‌شدن) andar šudan (واردشدن) abāz dāštan (باز داشتن)...	قید / قید پیشوندی + همکرد
andar ēstādan (آغازشدن) pay griftan (پی‌گرفتن)...	حرف اضافه + همکرد
مثال	ساخت عبارت فعلی
pad paymān griftan (به اندازه انجام دادن)	حرف اضافه + اسم + فعل

مثال	ساخت فعل مرکب
pad bēš budan (رنج بردن)...	
pad zanīh grifan (به زنی گرفتن)	حرف اضافه + اسم معنی + فعل
pad dāmādīh grifan (به دامادی گرفتن)...	
pad mayān kardan (در نظر گرفتن)	حرف اضافه + قید + فعل
pad gyāg murdan (در جا مردن)...	

بدون شک کاربرد بسیاری از این ساختارهای فعل مرکب و عبارت فعلی به فارسی نو نیز رسیده است. برای نمونه افعال مرکب «دعا کردن»، «نفرین کردن»، «رنج بردن» و «وام گرفتن» در زبان فارسی رایج است که از اسم + همکرد ساخته شده است. فعل «گرامی داشتن» نیز که از صفت + همکرد ساخته شده و عبارت فعلی «به دل گرفتن» که همانند عبارت فعلی «pad paymān grifan» در زبان فارسی میانه از حرف اضافه + اسم + فعل ساخته شده در فارسی نو ادامه یافته است. نتیجه این پژوهش را می توان در زمینه تهیه واژه نامه فارسی میانه به کار گرفت. با این حال، برای اعلام نظر نهایی درباره ساخت فعل مرکب و عبارت فعلی در فارسی میانه بایسته است تمامی متون بررسی شوند. در پایان پیشنهاد می شود پژوهشگران جهت آگاهی بیش تر درباره بسامد و کاربرد افعال مرکب و عبارت های فعلی در برخی متون فارسی میانه به پایگاه دادگان پارسیگ^۱ مراجعه فرمایند.

منابع

- ارژنگ، غلامرضا (۱۳۸۷). دستور زبان فارسی امروز. تهران: قطره.
- اشه، رهام (۱۳۸۲). یک متن ناشناخته به پارسیگ: هرمز باهرویسپ آگاهی. تهران: اساطیر.
- تفضلی، احمد (۱۳۷۶). تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: سخن.
- خانلری، پرویز (۱۳۶۶). تاریخ زبان فارسی. ج ۲. تهران: نشر نو.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۷۶). فعل مرکب در زبان فارسی. مجله زبان شناسی، ۱۲(۱ و ۲)، صص. ۱۸-۴۴.
- راستارگویا، و. س. (۱۳۴۷). دستور زبان فارسی میانه. ترجمه ولی الله شادان. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۷). راهنمای زبان های ایرانی. ج ۱. تهران: ققنوس.
- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۸). تاریخ زبان های ایرانی. تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- روحی بایگی، زهرا (۱۳۹۵). بررسی باهم آبی پیش فعل و همکرد «کردن» در فعل مرکب فارسی. زبان شناسی و گویش های خراسان، ۱۵(۱)، صص. ۱۲۱-۱۴۸.
- سلطانی، اکرم (۱۳۸۶). تحول حوزه معنایی برخی از افعال و عبارت های فعلی و کاربرد آن در نثر فارسی معاصر. متن پژوهی ادبی، ۳۴(۱)، صص. ۴۷-۶۷.
- طباطبایی، علاءالدین (۱۳۸۴). فعل مرکب در زبان فارسی. نامه فرهنگستان، ۲۶(۲)، صص. ۲۶-۳۴.
- طبیب زاده، امید (۱۳۷۳). طبقه بندی و ضبط افعال اصطلاحی فارسی. نشر دانش، ۳(۳)، صص. ۳۱-۳۶.

¹ <https://www.parsigdatabase.com/>

- عریان، سعید (۱۳۹۱). متن‌های پهلوی (ترجمه، آوانوشت). گردآورنده جاماسب‌جی دستور منوچهر جی جاماسب آسانا. تهران: علمی.
- عموزاده، محمد و بابک شریف (۱۳۹۶). تشکیل افعال مرکب از منظر دستور شناختی. *ماهنامه جستارهای زبانی*، (۲)، صص. ۱۷۰-۱۴۹.
- فروهوشی، بهرام (۱۳۹۵). *کارنامه اردشیر بابکان*. چ ششم. تهران: دانشگاه تهران.
- منصوری، یدالله (۱۳۸۲). بررسی ساختار فعل جعلی در فارسی میانه و فارسی دری. *نامه فرهنگستان*، (۲۲)، صص. ۱۰۸-۱۲۴.
- منصوری، یدالله (۱۳۸۴). بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی (فارسی میانه زردشتی). تهران: آثار.
- منصوری، یدالله (۱۳۹۴). فرهنگ ریشه‌شناختی افعال فارسی میانه (زبان پهلوی). تهران: آوای خاور.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۹۱). *روایت پهلوی: آوانویسی، برگردان فارسی، یادداشت‌ها و واژه‌نامه*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نفرگوی‌کهن، مهرداد و شادی داوری (۱۳۹۱). همگردش‌گی. *نامه فرهنگستان (ویژه‌نامه دستور)*، (۸)، صص. ۲۲۷-۲۴۴.
- Brunner, C. (1977). *A syntax of Western Middle Iranian*. New York: Delmar, Caravan Books.
- Henning, W. B. (1977). "Das verbum des Mittelpersischin der turfanfragmente". pp. 65-160. Leiden: *Acta Iranica* 14 (Selected Papers).
- Grenet, F. (2003). *La Geste d'Ardashir fils de Pâbag (Kārnāmag ī Ardaxšēr ī Pâbagān)*. Paris.
- MacKenzie, D. N. (1971). *A concise pahlavi dictionary*. Oxford: Oxford University.
- Williams, A. V. (1990). *The Pahlavi rivāyat accompanying the dādestān ī dēnīg*. Copenhagen: Munksgard.